نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دوره ۱۲، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۳
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات۱۳۲ ـ ۱۰۷

Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 12, Summer 2021, No. 43
Scientific Research Article

روایات عاشورایی «الطبقات الکبری ابن‌سعد» در سنجه نقد (بازه زمانی پیش از عاشورا)

محسن رفعت*

چکیده

ابن‌سعد در کتاب الطبقات‌الکبری، بخشی را به مقتل الحسین‌ﷺ اختصاص داده که در میان مقاتل موجود سیدالشهداﷺ از لحاظ قدمت در جایگاه دوم قرار دارد. باوجود موارد مشابه فراوان میان گزارش‌های آن با مقتل ابومخنف، ابن‌سعد بسیاری از روایات مقتل ابومخنف را حذف کرده و به نقل از مقاتل واقدی و دیگران روی آورده است. رویکرد جانبدارانهٔ ابن‌سعد در گزارش واقعهٔ عاشورا، اقبال وسیع مورخان و رجال‌شناسان مکتب شام؛ همچون ابن‌عساکر، ذهبی، ابن‌حجر، مزّی، ابن‌کثیر به آن را به دنبال داشته است. این مقتل علی‌رغم اخبار منفرد نسبت به دیگر کتب تاریخی و یا حدیثی، در برخی موارد با وقایع مسلّم و یا روایات تاریخی دیگر ناسازگار بوده و در مواردی شأن امام معصومﷺ و یا خاندان معصومانﷺ را مخدوش ساخته و پایه‌های نااستواری برای تحقیق پیش‌روی عالمان فریقین در قرن‌های بعد از خود قرار داده است. یافته‌ها نشان از جهت‌داری گزارش وی از قیام امام حسینﷺ و تحلیل برپایهٔ ذهنیتی خاص است که احتیاطی دوچندان را پیش‌روی مقتل‌پژوه می‌نهد. این مقاله با روش کتابخانه‌ای به‌صورت میان‌رشته‌ایِ تاریخ و حدیث و رویکردی تحلیلی و انتقادی، روایات تأثیرگذار و جهت‌دار او را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی

الطبقات‌الکبری، مقتل الحسینﷺ، ابن سعد، روایات عاشورایی، تحریفات.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومهﷺ و مدرس دروس معارف اسلامی.
mohsenrafaat@hmu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۵

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۱. طرح مسئله

نهضت عاشورا و قیام امام حسین﵇ واقعیتی انکارناپذیر در رأس هویت‌بخشی و اصالت دادن به فرهنگ امامیه است. صرف‌نظر از مراجعه به روایات صریح معصومان﵈ درباره این واقعه، عظمت و سترگی این رویداد مهم را می‌توان با تحلیل زمینه‌ها، چگونگی، چرایی و پیامدهای وقوع آن بررسی کرد و از آن مشق گرفت. انگیزه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی فراوان برای تحریف حادثه عاشورا از ابتدای این نهضت، سبب ورود انبوهی از اخبار و روایات در کتب تاریخی و حدیثی شد که پالایش آنها آسان نبود. از این اسباب مهم می‌توان به استقرار حاکمیت استبدادی و جعلی اموی بر سرزمین‌های اسلامی برای مدتی طولانی اشاره کرد؛ حاکمیتی که برای استقرار و استمرار نظام خود، احادیث نبوی را جعل و وقایع تاریخی را تحریف کرد.[۱]

ازجمله اسباب دیگر که سبب تردید در مفاد حوادث تاریخی پیش و پس از این نهضت شده و مانع اظهارنظر قطعی محققان در مورد آن می‌شود، تضعیف و تحریف حقیقت این واقعه و واقعیت حقیقی آن به‌وسیله عامدان و جاهلان است، به‌گونه‌ای که این نهضت عظیم درلابه‌لای این نگارش‌ها درهم تنیده و به استهلاک گرویده است؛[۲] به همین جهت و نیز با نظر به رویارویی دو جبهه ناهمگون تحریف‌ساز و تحریف‌ستیز در عرصه مواجهه با این رویداد و ارائه و ابراز دلایل مختلف برای عملکرد خود،[۳] تحلیل تاریخ‌شناختی از این واقعه و بررسی فقه‌الحدیثی روایات مرتبط با این رویداد، ضرورت می‌یابد. بدین‌روی یکی از وظایف محققان بی‌تعصب عرصه تاریخ و احادیث، معرفی چهره سره و خالص نهضت عاشورا و پیراستن آن از طعن‌ها و تحریفات است؛ چرا که این واقعه مهم، به‌سان هر حادثه تاریخی، از این آسیب‌ها مصون نمانده است. از مجموعهٔ چهل مقتل موجود،[۴] روایات برخی، از حیث سند دارای اشکال است و برخی نیز از لحاظ متن و محتوا با اهداف قیام عاشورا و انگیزه امام‌حسین﵇ در تنافی است. ***الطبقات الکبری*** اثر ابن‌سعد از مهم‌ترین کتب تاریخی‌روایی کهن است که نیازمند تحلیل این ناسازواری‌ها است، ازاین‌رو تحقیق در روایات آن ضروری می‌نماید.

ضمن اینکه مراد ما از روایات در اینجا مواردی است که فعل معصوم را گزارش می‌کند، چرا که

---

۱. ابن‌ابی‌الحدید، ***شرح نهج البلاغة***، ج ۱۱، ص ۱۱۰ ـ ۴۸.

۲. ر. ک: صحتی سردرودی، ***عاشوراپژوهی***، ص ۱۲۴ ـ ۲۳.

۳. برای مطالعه بیشتر، ر. ک: همان، ص ۱۱۵ ـ ۶۰.

۴. این تعداد مقتل علاوه بر متون روایی دسته اول، کتب مناقب و ... است. برای مطالعهٔ بیشتر در زمینهٔ اسامی این مقاتل، ر. ک: رحمان ستایش و رفعت، ***روایات‌عاشورایی الفتوح ابن‌اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی***، ص ۸۱.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

روایات تاریخی که در حقیقت حاکی از فعل معصوم است، کمتر مورد توجه حدیث‌پژوهان بوده است تا با اصول نقد حدیثی، مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند. غالباً برخورد مورخان با این روایات، به‌صورت سبک‌های تاریخ‌پژوهانه بوده است. اما این‌گونه روایات باید با ملاک‌های سندی و متنی و اصول ارزیابی حدیث هم مورد نقد روایی قرار گیرند. این موضوع تاکنون به‌صورت جامع و با اصول تحقیق آکادمیک انجام نپذیرفته است. ازاین‌رو مناسب به‌نظر می‌رسد که این روایات در یک پژوهش علمی، در مقاتل مختلف ـ چه مقاتلی که مورخان به نگارش درآورده‌اند و چه مقاتلی که محدثان تحریر کرده‌اند، بررسی شوند. چون مؤلف در شیعه و اهل‌سنت دارای جایگاه ویژه‌ای است و روایات وی همواره مورد استناد یا نقد تاریخ‌پژوهان و حدیث‌پژوهان قرار گرفته است و از طرفی دیگر اهمیت واقعه عظیم عاشورا نشان می‌دهد که دقت در قیام امام‌حسین‌ﷺ از اهمیت بسزایی برخوردار است، ازاین‌رو این کتاب و روایات آن نیازمند بررسی و واکاوی دقیقی است، پس ضرورت ایجاب می‌کند که روایات این کتابِ متقدم که گزارش‌های ویژه‌ای در آن گرد آمده و حتی بخشی از گزارش‌های شیعه نیز برگرفته از این کتاب است، مورد مداقه قرار گیرد.

این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این سؤالاتی است: ابن‌سعد با چه رویکردی به نقل اخباری خاص پرداخته که در مقایسه با دیگر منابع، منحصر به‌فرد تلقی می‌شود؟ با ایجاد ارتباط میان روایات ابن‌سعد و دیگر مورخان و محدّثان، چه روایاتی می‌تواند در معرض نقد قرار گیرد؟

پیش از این، در مورد تحریفات روایات عاشورایی به‌صورت مجزا و در قالب کتاب و مقاله تحقیقاتی ارائه شده، که از آن‌جمله می‌توان به کتاب ***معرفی و نقد منابع عاشورا*** نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و نیز مقاله «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام حسین‌ﷺ» چاپ شده در ***سخن تاریخ***، شماره پنجم، هر دو از سید عبدالله حسینی اشاره کرد. هرچند روش نگارنده تاریخی است، اما وجود فقدان‌هایی در این عرصه، موجب شده تا روایات به‌صورت همه‌جانبه ـ چه سندی و چه متنی ـ مورد بررسی واقع نشوند. ***شهادت‌نامه امام حسین‌ﷺ*** بر پایه منابع معتبر، گردآوری محمّدی ری‌شهری نیز به نقد برخی وقایع اشاراتی داشته، اما فاقد شیوه نقد حدیث و تحلیل متنی‌است. مقاتل نیازمند واکاوی تک‌تک روایات به‌صورت جزئی می‌باشد که تحقیق پیش‌رو به مقتل موجود در ***الطبقات الکبری*** ابن‌سعد اختصاص یافته است. آنچه درپی می‌آید، جستاری است در تحریفات آن در حوزه روایات عاشورایی مربوط به شخص امام، گفتارها و نهضت ایشان که در بازه زمانی پیش از عاشورا در کتاب ابن‌سعد ثبت شده است، ضمن این‌که روایات قابل مناقشه در این موضوع با ادلهٔ قرآنی، حدیثی، شواهد تاریخی و عقلی به بررسی و تحلیل گزارده شده است.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۲. ابن‌سعد و مقتل الحسین علیه‌السلام

محمد بن سعد بن منیع زهری بصری مشهور به کاتب الواقدی[۱] متولد ۱۶۸ ق در بصره و متوفی ۲۳۰ ق در بغداد است.[۲] مشهورترین اثر او ***الطبقات الکبری*** است. سبک گزارش وی حدیثی است؛ ازاین‌رو نوع اخبار وی به‌صورت مسند ارائه می‌شود. کتاب ***طبقات*** به لحاظ ساختار، اطلاعات مفیدی را درباره شهرهای مختلف و حضور صحابه و تابعین در آنها و نیز مهاجرت برخی از قبایل به شهرها ارائه می‌دهد. ***طبقات*** را باید کتاب رجالی به‌معنای مصطلح آن نیز دانست؛ زیرا در ضمن شرح‌حال‌ها به مدح و ذم و ثقه و غیرثقه بودن عالمان و محدثان نیز می‌پردازد.[۳] گفتنی است که ابن‌سعد ذیل روایات ـ جز موارد اندکی ـ تحلیلی از روایات ارائه نمی‌دهد[۴] و این نکته نشان می‌دهد که ابن‌سعد حداقل در کتاب ***الطبقات***، تحلیل را در ضمن گزارش و چینش خبر پنهان می‌کند.

شرح حال امام‌حسین علیه‌السلام در جزء هشتم کتاب ***الطبقات الکبری*** گنجانده شده، هرچند در چاپ‌های کتاب، این قسمت موجود نیست؛ اما ابن‌عساکر متن کامل گزارش ابن‌سعد را در بخش «***ترجمة الحسین*** علیه‌السلام» ***تاریخ دمشق*** نقل می‌کند.[۵] همچنین ابن‌کثیر در ***البدایة و النهایة***،[۶] ابن‌حجر در ***الإصابة***،[۷] ذهبی در ***سیر أعلام النبلاء***[۸] و مزّی در ***تهذیب الکمال***[۹] نیز قسمت عمده و اصلی گزارش ابن‌سعد را نقل کرده‌اند. سید عبدالعزیز طباطبایی، پس از دستیابی به‌نسخه شرق‌شناسان، در سفری که در سال ۱۳۹۷ به ترکیه داشت، در کتابخانه سلطان احمد سوم در استانبول، به نسخه‌های خطی کتاب ابن‌سعد از قرن هفتم دست یافت. وی براساس این نسخه، طبقه پنجم از اصحاب، یعنی خردسالانِ هنگام رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ازجمله امام‌حسن علیه‌السلام و امام‌حسین علیه‌السلام را در سال ۱۴۰۷ ق، به‌صورت مستقل چاپ کرده است.[۱۰]

---

۱. ابن‌عبدالبر، ***الإستیعاب***، ج ۱، ص ۲۱، ۱۹۵ و ۲۴۹؛ صفدی، ***الوافی بالوفیات***، ج ۳، ص ۷۵.
۲. سمعانی، ***الأنساب***، ج ۱۱، ص ۷؛ ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۷، ص ۱۸؛ ابن‌خلکان، ***وفیات الأعیان***، ج ۴، ص ۳۵۱؛ ابن‌عماد حنبلی، ***شذرات الذهب***، ج ۱، ص ۲۲ ـ ۲۱.
۳. جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ج ۱، ص ۶۲.
۴. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۱، ص ۵۷ و ۱۱۷؛ ج۳، ص ۴۰۲؛ ج۵، ص ۱۵۵و ... .
۵. ابن‌عساکر، ***تاریخ مدینة دمشق***، ج۱۴، ص ۱۱۱.
۶. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۸، ص ۱۶۱.
۷. عسقلانی، ***الإصابة***، ج ۲، ص ۶۷.
۸. ذهبی، ***سیر أعلام النبلاء***، ج۳، ص ۲۸۰.
۹. مزّی، ***تهذیب الکمال***، ج ۶، ص ۳۹۶.
۱۰. ر. ک: مقدمه طباطبایی در: ابن سعد، ***ترجمه الإمام الحسین*** علیه‌السلام، ص ۹ ـ ۷.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

مجموعه گزارش ابن‌سعد از عاشورا حدود ۱۰۰ صفحه است. با نگاهی به‌گزارش ابن‌سعد، درخواهیم یافت که کتاب در بیشتر موارد، دارای سند است. اما اسناد ابن‌سعد به‌صورت جمع آمده و اینکه کدام روایت مربوط به کدام سند است، مشخص نیست. لذا باید گفت که ابن‌سعد اسناد تک‌تک روایات را ادغام کرده است. عبارات تحمّل حدیث ابن‌سعد، أخبرنا، حدثنی، قال و... است که سبک حدیثی وی را نشان می‌دهد.[۱]

گزارش ابن‌سعد از روایات مربوط به امام‌حسین‌ﷺ نشان می‌دهد که وی به‌دلیل تمایلی که به بنی‌امیه و تفکر عثمانی داشته،[۲] به‌طرق گوناگون می‌کوشد تا روایات مربوط به اغراض خود را گزارش کند. به‌عبارتی بر اخباری که جهت‌گیری آن به‌گونه‌ای است که یزید را در واقعه شهادت امام‌حسین‌ﷺ بی‌تقصیر نشان دهد و گناه را بر گردن ابن‌زیاد بگذارد، فراوان تکیه شده است.[۳] گرایش ابن‌سعد به صاحبان قدرت و خصوصاً اهل حدیث،[۴] چنان جلوه کرده که می‌توان گفت، گزارش ابن سعد از گزارش‌های مهم و تأثیرگذاری است که میان بیشتر محدثان اهل‌سنت و مخالفان فکری قیام عاشورا، به‌خصوص تاریخ‌نگاران شام و مغرب، از ابن‌عساکر[۵] به بعد، مورد توجه قرار گرفته، درحالی‌که گزارش ویژه ابومخنف بیشتر به جهت شخصیت مقبول او عراق مورد توجه بوده است[۶] و چون گزارش ابن‌سعد در نکوهش قیام عاشوراست ـ و کسانی چون ابن‌عربی، ابن‌خلدون و

---

۱. همان، ص ۴۳۸ ـ ۴۳۷.

۲. نمونه‌هایی مانند ملعون خواندن فرزدق (ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ ۱، ص ۴۵۷) یا جریان بدعتی از معاویه با عنوان «استلحاق ابن زیاد» به معاویه که وی، زیاد را بر خلاف تعبیر مورخان که از او به زیاد بن عبید (ابن‌هلال ثقفی، ***الغارات***، ج ۲، ص ۶۴۷؛ ابن‌عساکر، ***تاریخ مدینة دمشق***، ج ۱۹، ص ۱۶۲) یا زیاد بن ابی‌سفیان (دینوری، ***الإمامة و السیاسة***، ص ۲۱۹؛ ابن عبد ربه، ***العقد الفرید***، ج ۱، ص ۱۷) یا زیاد بدون بردن نامی از پدرش (بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۲، ص ۴۳۹؛ جاحظ، ***البیان و التبیین***، ج ۲، ص ۴۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ***الأغانی***، ج ۱۲، ص ۴۸۲) یاد کرده‌اند، خوانده است: ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، الطبقة الخامسة ۱، ص ۴۵۹.

۳. برای مطالعه بیشتر، ابن‌سعد، ***ترجمه الإمام الحسین***ﷺ، ص ۳۴، ۵۴ و... .

۴. ر.ک: کاظم بیکی و گوهری فخرآباد، نگاه اهل حدیثی ابن‌سعد به تاریخ اسلام، بررسی موردی شرح حال امام علی‌ﷺ در کتاب ***الطبقات الکبری***، ص ۶۴ ـ ۵۸.

۵. برای نمونه ر.ک به تطبیق روایات ابن‌عساکر با ابن‌سعد در این موضوعات: عدم بیعت امام با یزید در زمان معاویه: ***ترجمه الإمام الحسین***ﷺ لابن عساکر، ص ۲۸۸؛ ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۳۹؛ دعوت کوفیان از امام حسینﷺ و تردید امام برای قیام: ***ترجمه الإمام الحسین***ﷺ لابن عساکر، ص ۲۸۸؛ ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۳۹؛ امام حسنﷺ طالب صلح و امام حسینﷺ خواهان جنگ: ***ترجمه الإمام الحسین***ﷺ لابن عساکر، ص ۲۸۹؛ ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۰ و ... .

۶. ر.ک: قائدان، «بررسی تحریف‌نگاری مکتب شام و تحریف قیام امام حسینﷺ»، ***خورشید شهادت***، ص ۷۲ ـ ۴۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

دیگران تحت‌تأثیر این گزارش، نسبت به عاشورا نظر منفی خود را ابراز کرده‌اند.[۱] ـ ازاین‌رو ابن‌سعد نقش و اثرگذاری مهمی را در پردازش قیام عاشورا ایفا کرده است و چون گزارش او از عاشورا مرجع گزارش‌های مقاتل بعدی ازجمله ***تهذیب الکمال و تاریخ‌الاسلام*** شد که منش فکری شامی و اموی در آنها موج می‌زند،[۲] لذا نشان می‌دهد که ابن‌سعد نیز بیشتر طرفدار و جانب‌دار بنی‌امیه و یزید بوده و گزارش وی از عاشورا بازتاب فکری او نسبت به امام‌حسین‌ؑ و تعصب بیش از حد اوست. ازهمین‌روست که وی اصل حرکت امام‌حسین‌ؑ را نکوهش کرده و چون ـ بنابر نظر ابن‌سعد ـ بر ضد مقاصد و مصالح حکومت وقت بوده، قیام جایز نخواهد بود، بلکه شورش و خروج از جماعت و تفرقه میان امت اسلام محسوب می‌شود، لذا تحسین کسانی چون ابن‌کثیر از گزارش ابن‌سعد[۳] بیشتر به‌خاطر رویکرد منفی آن نسبت به امام است، چراکه ترسیم قیام امام از نگاه کسانی چون ابن‌سعد با اهداف سیاسی و کلامی افرادی مانند ابن‌کثیر بیشتر مطابقت دارد.[۴]

گزارش ابن‌سعد درباره امام‌حسین‌ؑ به دو شکل است:

۱. روایات مربوط به فضایل و زندگانی امام‌حسین‌ؑ، که اغلب مسند ارائه شده است؛

۲. قیام و شهادت امام، که در قالب اخبار مسند و گاه ترکیبی ذکر شده است.

در شکل اول، ابن‌سعد ۱۳۷ روایت درباره آن حضرت ـ از زمان ولادت تا حوادث پس از شهادت امام ـ نقل می‌کند. در بخش دوم، ابن‌سعد پس از کنار هم قرار دادن اخبار مختلف راجع به‌شهادت امام‌حسین‌ؑ اخباری را گزیده و مقتل نامیده است. البته در این میان همچون موارد دیگر[۵] که روش حدیثی او را شکل می‌دهد، هفت مرتبه سخن خود را قطع و روایات مختلفی به فراخور بحث آورده و سپس عبارت «**رجع الحديث إلي الأول**» را بیان کرده است.

۳. مطالب غیرواقعی و تحریفی الطبقات الکبری

۳ـ۱. اسناد ابن‌سعد

ابن‌سعد برای ابتدای مقتل امام‌حسین‌ؑ ۹ سند ذکر کرده است، در ۵ سند نام او به‌عنوان نفر نخست

---

۱. ر.ک: ابن‌عربی، ***العواصم من القواصم***، ص ۲۴۷ ـ ۲۳۳؛ ابن‌خلدون، ***تاریخ ابن‌خلدون***، ج ۱، ص ۲۷۲ ـ ۲۶۹ و نیز کتاب‌های دیگر مانند ابن‌تیمیه، ***منهاج السنة***، ج ۴، ص ۵۸۹ ـ ۵۱۷؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۸، ص ۱۶۰.

۲. حسینی، ***معرفی و نقد منابع عاشورا***، ص ۵۶.

۳. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۸، ص ۱۶۱.

۴. همان، ج ۸، ص ۲۰۱ـ۲۰۲.

۵. ابن‌سعد مانند دیگر مورخان یا محدثان گاه با توجه به محتوای روایاتی مفصل به روایتی دیگر اشاره می‌کند و سپس به روایت اصلی خود بازمی‌گردد. (ر. ک: ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۱، ص ۵۶، ۶۷، ۶۹، ۱۷۰، ۱۸۰؛ ج۴، ص ۲۶۷؛ بیهقی، ***دلائل النبوة***، ج ۲، ص ۵۰، ۵۲؛ طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۱، ص ۳۲۴، ۳۹۱؛ ج۳، ص ۸۹، ۱۵۷؛ ج ۶، ص ۲۷۳ و ...)

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

دیده می‌شود و ۴ سند نام محمد بن عمرواقدی. بنابر بررسی سندی، از این ۹ سند، سند نخست و پنجم میان صحیح و ضعیف اختلافی است اما بقیه به‌دلیل وجود مجاهیل و افراد منکر یا کذاب الحدیث، ضعیف هستند. ابن‌سعد اسناد دیگری در مورد مقتل امام‌حسین‌ؑ دارد، اما از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کند. محمد بن صامل سلمی ـ محقق کتاب ـ نیز ذیل هر کدام از اسناد به صحیح بودن دو روایت،[۱] حسن بودن شش روایت[۲] و البته ضعف سی و نه روایت[۳] اشاره کرده است. ابن‌سعد پس از ذکر اسناد ابتدایی خویش، می‌نویسد: «**و غیر هؤلاء أیضا قد حدثني في هذا الحدیث بطائفة فکتبت جوامع حدیثهم في مقتل الحسین رحمةالله علیه و رضوانه و صلواته و برکاته**».[۴]

۳ـ۲. متن احادیث تاریخی

۳ـ۲ـ۱. دعوت کوفیان از امام‌حسین‌ؑ و تردید امام برای قیام

ابن‌سعد در گزارش خود آورده:

> به‌روزگار حکمرانی معاویه، مردم کوفه همواره به حسین نامه می‌نوشتند و او را فرامی‌خواندند که نزد ایشان رود و او هیچ دعوتی را پذیرا نشد. گروهی از کوفیان نزد محمد بن حنفیه آمدند و از او خواستند که همراه ایشان خروج و قیام کند. محمد نپذیرفت و پیش حسین آمد و آنچه را از او خواسته بودند، گزارش داد. فرمود: آن قوم می‌خواهند در پناه نام ما نان بخورند و خون ما را به‌جوش آورند. حسین با همه اندوه‌ها و نگرانی‌ها همچنان خودداری می‌کرد. گاه تصمیم می‌گرفت که به‌سوی کوفیان برود و گاه تصمیم به اقامت می‌گرفت... .[۵]

وی در ادامه از نهی ابوسعید خدری از حرکت به‌سوی عراق و نیز نامه مروان بن حکم به معاویه مبنی بر دعوت عراقیان از امام و در امان نبودن از فتنه‌انگیزی امام سخن می‌آورد.[۶]

گویا ابن‌سعد با آوردن دعوت کوفیان از ابن‌حنفیه و نهی ابوسعید خدری از پذیرش دعوت، قصد

---

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، الطبقةالخامسة، ص ۵۰۲ و ۵۰۷.
۲. همان، ص ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰ و ۵۰۴.
۳. همان، ص ۴۳۶ (۳ روایت)، ۴۳۷ (۳روایت)، ۴۳۸ (۳روایت)، ۴۵۲، ۴۵۵ (۲روایت)، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۷، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵ (۲روایت)، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵ (۲روایت)، ۵۰۶ (۲روایت)، ۵۰۸ (۲روایت)، ۵۰۹؛ محقق کتاب، دیگر روایات را به دلیل جهالت روات به «ضعف» آنها صراحتاً اشاره‌ای نکرده است.
۴. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسة۱، ص ۴۳۹ ـ ۴۳۶.
۵. همان، ص ۴۳۹؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین‌ؑ***، ص ۵۴.
۶. همان؛ همو، ***الطبقات الکبری***، خامسة۱، ص ۴۴۰.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

دارد نشان دهد که امام‌حسین﵇ منتظر فرصتی برای مخالفت با یزید و معاویه بوده که در زمان معاویه این فرصت برای وی مهیا نشد. این درحالی‌است که در منابع دیگر سخنی از اینکه کوفیان از محمد بن حنفیه دعوت به قیام کرده باشند، نیست. ضمن اینکه وی از سویی آورده است که ابن‌حنفیه با رفتن امام مخالف بود و بر نرفتن به سمت کوفه اصرار می‌ورزید، تا جایی‌که فرزند خویش را برای عدم همراهی با امام حبس کرد[۱] و از سویی به مشورت با امام پرداخت تا اینکه امام فرمود: «آن قوم می‌خواهند در پناه نام ما نان بخورند وخون ما را به‌جوش آورند».

افزون بر این، دعوت کوفیان از امام در زمان معاویه و تردید امام درحالی‌که محمد بن حنفیه به‌شدت دعوت آنان را رد کرد و همچنین نصیحت ابوسعید خدری و نیز سخن امام در پاسخ مسیب بن نجبه فزاری که نیت برادرش را خودداری از جنگ و نیت خودش را نبرد با ظالمان عنوان کرده و نیز نامه مروان به معاویه درباره اینکه «اگر حسین کمین‌گاه فتنه باشد، در امان نیستم»،[۲] نشان می‌دهد که ابن‌سعد عامدانه می‌خواسته امام‌حسین﵇ را آغازگر بحران معرفی کند.[3] جالب اینکه همه موارد پیش‌گفته در تواریخ پس از او یافت نمی‌شود. اما اینکه امام برای پذیرش دعوت کوفیان همواره دچار تردید بود، نشان می‌دهد ابن‌سعد قصد داشته کشته‌شدن امام را مبتنی بر هاله‌ای از تردید بداند، بدین معنا که امام نمی‌خواست قیامش به‌کشته شدنش منجر شود اما این امری بود که اتفاق افتاد.

۳ـ۲ـ۲. امام‌حسن﵇ طالب صلح و امام‌حسین﵇ خواهان جنگ

ابن‌سعد در جای‌جای طبقات، این اندیشه را القاء می‌کند که امام‌حسن﵇ شخصیتی صلح‌جو و امام‌حسین﵇ همواره به‌دنبال جنگ و پیکار با ستمکاران بوده است. وی دیدار مسیب بن نجبه به‌همراه تعدادی از کوفیان با امام حسین﵇ را چنین تصویر کرده که آنها امام را برای خلع معاویه از حکومت فراخواندند و گفتند: «ما تفکر تو و تفکر برادرت را به‌خوبی می‌دانیم. فرمود: من امیدوارم که خداوند برادرم را با اندیشه‌ای که در دوستی خودداری و صلح داشت پاداش دهد و مرا هم در اندیشه‌ای که نسبت به پیکار ستمکاران دارم پاداش دهد.»[۴] ابن سعد القای چنین تفکری را به‌گونه‌ای نمایش داده که امام خود به‌چنین اندیشه‌ای ـ که برادرش امام‌حسن﵇ صلح‌جو، اما خودش مترصد فرصت برای جنگ بوده ـ آگاه بوده و بدان اعتراف هم کرده است.

---

۱. همان، ص ۴۵۱.

۲. همان، ص ۴۴۰.

3. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی، «بررسی گزارش محمد بن سعدازززندگی و قیام امام حسین﵇»، ***سخن تاریخ***، ص ۵۳ ـ ۵۲.

۴. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۰؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین﵇***، ص ۵۴.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

ابن‌سعد در موضعی خواستگاری سعید بن عاص از ام‌کلثوم را نقل کرده و مدعی شده که «ابن عاص صد هزار درهم برای ام‌کلثوم فرستاد. امام‌حسین‌ﷺ خواهر خویش را از این ازدواج نهی می‌کرد، اما امام‌حسن‌ﷺ بدان راضی بود. سعید بن عاص وقتی کراهت امام‌حسین‌ﷺ را فهمید، اصرار نکرد و درباره مالی که پرداخته بود نه‌تنها چیزی نگفت که هیچ‌چیز آن را پس نگرفت.»[1] ابن‌سعد در بخشی از شرح حال امام‌حسین‌ﷺ به‌دشمنی دیرینه میان امام‌حسین‌ﷺ و مروان بن حکم اشاره دارد و ناسزا و دشنام‌گویی هر دو به یک دیگر را یادآور می‌شود، درحالی‌که امام‌حسن‌ﷺ برادرش را از این فعل نهی می‌کرد.[2] ابن‌سعد شبیه به‌این ماجرا را در نقلی رکیک‌تر با فحاش نشان‌دادن امام به‌میان آورده است.[3] در موضعی دیگر از قول امام علی‌ﷺ می‌نویسد که ما خاندانی هستیم که در ما چیزهایی دیده می‌شود که از آن‌جمله رضایت به موضوع حکمین است، و این پسرم یعنی حسن به‌زودی از حکومت خود را کنار می‌کشد و حسین شبیه‌ترین افراد خانواده‌ام به من است.[4] مؤلف ***طبقات*** با نقلی دیگر از مسیّب بن نجبه از قول امیرمؤمنان‌ﷺ به صلح‌جو بودن امام‌حسن‌ﷺ و جنگ‌طلبی امام‌حسین‌ﷺ اشاره عمیق‌تری دارد، وی می‌نویسد: شنیدم علی‌ﷺ می‌فرمود: آیا می‌خواهید درباره خود و افراد خانواده‌ام برای شما بگویم؟ ... حسن بن علی سفره‌دار و میهمان‌نواز و جوانمردی شایسته از جوانمردان قریش است. ولی هرگاه کمربند استوار و جنگ دشوار گردد برای شما، از او کاری ساخته نیست! من و حسین از شماییم و شما از مایید.[5]

واضح است که در روایات ابن‌سعد تلاش شده است تا شخصیت امام‌حسن‌ﷺ شخصیتی خواهان انزوا، صلح‌جو، اهل سکوت و زندگی‌دوست ترسیم شود و امام‌حسین‌ﷺ نیز دارای تشخصی جدی و سخت‌گیر، با طبیعتی تند و جنگ یا جهاددوست معرفی گردد. این درحالی‌است که روایات تاریخی حاکی از آن‌است که امام حسن‌ﷺ در جنگ‌های جمل و صفین دلاوری‌های بی‌شماری از خود نشان داده است.[6] شهید مطهری دراین‌باره که آیا صلح امام‌حسن‌ﷺ صحیح‌است یا قیام امام‌حسین‌ﷺ، معتقد است که اگر هرکدام از این دو برادر در جایگاه دیگری قرار می‌گرفت، همان فعل برادر را انجام

---

۱. همان، ص ۴۱؛ همو، ***الطبقات‌الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۱۵.

۲. همان، ص ۴۰۲؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***ﷺ، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۳؛ همو، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۳۹۹.

۴. همان، ص ۴۱۱؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***ﷺ، ص ۳۹؛ نیز شبیه این خبر در الطبقات، ص ۲۸۶ آمده است.

۵. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۲۹۸؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***ﷺ، ص ۶۷.

۶. ر.ک: طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۴، ص ۵۰۰ ـ ۴۸۲؛ ذهبی، ***تاریخ الإسلام***، ج ۳، ص ۴۸۵؛ مفید، ***الجمل***، ص ۳۴۸؛ ابن شهرآشوب، ***مناقب آل ابی‌طالب***، ج ۳، ص ۱۶۸و... .

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

می‌داد. وی در ادامه شرایط و اوضاع مربوط به هر امام را دخیل در موضع‌گیری آنها می‌داند.[۱] البته محدثان و مورخان اهل‌سنت به‌ویژه آنان که تمایلی در دل به بنی‌امیه داشته‌اند، کوشیده‌اند تا به‌طرق گوناگون میان آن دو حضرت به‌نوعی ناهمگونی نشان دهند،[۲] ابن‌سعد شعری را از زبان ابوبکر نوشته است که به امام حسن علیه‌السلام می‌فرمود: «**بأبِي شِبه النّبيّ، لا شَبِيهًا بِعَلِيٍّ**» و در آن حال علی علیه‌السلام همراه او بود، می‌خندید.[۳] او به‌حدی به‌این تفکر پای‌بند است که بابی با عنوان «ذکر شبه الحسن‌بن علی بالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله» باز کرده است.[۴] این درحالی‌است که ابن‌سعد برای اینکه جهاددوستی و شدت سختی امام در برخورد با معاویه را نشان دهد، روایتی نقل کرده که حسین علیه‌السلام لگام شتر معاویه را گرفت و نشاند و مدتی طولانی با او آهسته سخن گفت و برگشت که این کار اعتراض یزید را به‌همراه داشت و در این حال معاویه می‌گوید: رهایش کن، ممکن است همین کار را از کس دیگری جز من بخواهد و برای او روا ندارد و او را بکشد».[۵]

۳ـ۲ـ۳. امام‌حسین علیه‌السلام فردی شورشی و معاویه اهل حلم و بردباری! با ابزار تقطیع سخنان

به‌نظر می‌رسد ابن‌سعد با مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی کوشیده است تا امام را سبب‌ساز شورشی علیه حکومت معاویه معرفی کند. او نامه‌هایی بین معاویه و امام را به‌گونه‌ای گزارش کرده که معاویه به‌دنبال صلح و امام منتظر فرصتی برای اعلان جنگ علیه معاویه بوده است. همچنین معاویه به‌دنبال پای‌بندی به‌عهد و پیمان و امام ناقض آن و اهل مکر معرفی شده که درپی آن معاویه به‌عنوان خلیفه جامعه اسلامی سعی کرده با امام مدارا کند و لباس حلم و بردباری به‌خود بپوشد. ابن‌سعد در ذکر یکی از نامه‌هایی که معاویه به امام ارسال کرده، آورده است که معاویه مدعی شده که آن کس که عهد و پیمان خود را به پیشگاه خدا عرضه داشته است، سزاوار است که به آن وفادار بماند، وی آزمودن مجدد کوفیان را که توسط پدر و برادرش صورت پذیرفت، یادآور امام شده، پیمان صلح را به او تذکر می‌دهد... معاویه خطاب به همراهان خویش می‌گوید: اگر اباعبدالله را به هیجان آوریم، گویی شیر را برانگیخته‌ایم. ابن‌سعد می‌نویسد: «همچنین درپی برخی از اخباری که از حسین علیه‌السلام به اطلاع معاویه رسیده بود، برای آن حضرت چنین نوشت: گمان می‌کنم اندیشه شورش

۱. مطهری، ***مجموعه‌آثار***، ج ۱۶، ص ۶۴۷ ـ ۶۳۳.
۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: صحتی سردرودی، ***عاشوراپژوهی***، ص ۲۷۰ ـ ۲۶۴.
۳. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۲۴۶؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین*** علیه‌السلام، ص ۳۷.
۴. همان، ص ۳۸ ـ ۳۶؛ همو، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۲۴۸ ـ ۲۴۵.
۵. همان، ص ۴۴۱؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین*** علیه‌السلام، ص ۵۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

برسر داری، دوست می‌دارم خودم آن را ببینم و دریابم و به پاس تو از آن درگذرم.»[1] علاوه بر تحریفی که در این عبارات انجام شده، ذکر این نکته نیز ضروری است که ابن‌سعد قسمتی از این نامه را نیاورده و این نکته مشخص می‌شود که وی مفهوم نامه را برداشت و سپس تحریف کرده تا غرض خود را تحمیل کند. بلاذری تبادلِ نامه میان معاویه و امام را به شکل کامل در سه صفحه نقل کرده که معقولانه‌تر به‌نظر می‌رسد. همچنان‌که ابن‌سعد عباراتی را از پس‌وپیش نامه تقطیع و هر آنچه که مقصود او را برآورده کند در مقتل الحسین علیه السلام نقل کرده، وی حتی نامه پاسخ امام به معاویه را به‌صورت کوتاه در دو خط ذکر نموده، که مراجعه به نقل بلاذری، افشاگری امام نسبت به سخافت اعمال معاویه و یزید [ازجمله قتل حجربن‌عدی و اصحابش به‌دلیل ظلم‌وستم و مخالفت با بدعت‌های معاویه، قاتل عمر و بن‌حمق خزاعی صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، استلحاق ابن‌زیاد، بدعت‌سازی در حکومت و دین و گرفتن بیعت از مردم با یزید شرابخوار و سگ‌باز] و حکومتِ به اصطلاح اسلامی را بهتر ترسیم و مطالب تحریف شده ابن‌سعد را بیشتر نمایان می‌کند.[2] معاویه در بخشی از نامه خود آورده‌است:

> فاتّق شقّ عصا هذه الأمّة وأن يرجعوا على يدك إلى الفتنة. که امام پاسخ او را چنین داده‌اند: «... وقلت: انظر لنفسك ودينك والأمّة واتّق شقّ عصا الألفة وأن تردّ الناس إلى الفتنة، فلا أعلم فتنة على الأمّة أعظم من ولايتك عليها، ولا أعلم نظرا لنفسي ودیني أفضل من جهادك، فإن أفعله فهو قربة إلى ربّي، وإن أتركه فذنب أستغفر الله منه في كثير من تقصيري، وأسأل الله توفيقي لأرشد أموري...».

اما ابن‌سعد قسمت عمده نامه امام را از میانه تقطیع نموده و چنین آورده است: «من نه آهنگ پیکار با تو دارم و نه قصد ستیز، با آنکه در پیشگاه خداوند برای خود عذری در رها کردن پیکار با تو نمی‌بینم، و هیچ فتنه‌ای بزرگ‌تر از حکومت تو بر مردم نمی‌شناسم.» این در حالی‌است که معاویه ابتدا گفته بود که باعث فتنه‌ای در میان جامعه اسلامی نباش، اما امام با برشمردن اعمال او که منافی با قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، متذکر شد که حکومت معاویه فتنه‌ای بزرگ برای مردم‌است نه انتقادها و اعتراضات مردم. تقطیع اطلاعات و نامه‌هایی که از جنایات معاویه پرده برداشته، حکایت از آن دارد که ابن‌سعد هرچه که مقصودش را در قبال تمایل به‌بنی‌امیه اثبات کند، نقل کرده است.

گفتنی است که ابن‌سعد برای اینکه خود را در مقابل اعمال و رفتار سرشناسانی چون امام، حلیم و

---

۱. همان، ص ۵۴؛ همو، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۰.

۲. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۵، ص ۱۲۰، با اندکی اختلاف؛ ر.ک: دینوری، ***الإمامة و السیاسة***، ج ۱، ص ۲۰۲؛ کشی، ***الرجال***، ص ۵۲ ـ ۴۹.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

صبور معرفی کند، این خبر را گزارش کرده است:

> درپی برخی از اخباری که از حسین﵇ به اطلاع معاویه رسیده بود، برای آن حضرت چنین نوشت: گمان می‌کنم اندیشه شورش برسر داری، دوست می‌دارم خودم آن را ببینم و دریابم و به پاس تو از آن درگذرم.[۱]

۳ـ۲ـ٤. رفتار معاویه و یزید بر پایه رفق و مدارا

طبق نقل ابن‌سعد، معاویه در سفارشی که به‌یزید کرد، گفت:

> بنگر و به هوش باش که حسین پسر علی و پسر فاطمه دختر رسول خداﷺ است. او محبوب‌ترین افراد در نظر مردم است. پیوند خویشاوندی او را رعایت و با او مدارا و مهرورزی کن، تا کار او برای تو اصلاح شود.[۲]

باید از ابن‌سعد پرسید که معاویه چه زمانی پیوند خویشاوندی را با امام علی﵇ و حسنین﵈ رعایت کرد که حال سفارش چنین مدارایی را به پسر خود می‌کند. ابن‌سعد کوشیده است تا به‌گونه‌ای، رفتار معاویه و یزید را با امام برطبق رفق و مدارا وانمود کند. به‌علاوه درشتی و سختگیری امام‌حسین﵇ را در پایان مطلب خویش گنجانده تا همچنان این اندیشه را به خواننده القا کند که امام اهل دشنام و تندی و قضاوت بی‌جاست.

وی در نامه یزید به ولیدبن‌عقبه حاکم مدینه نیز همین اندیشه را به مخاطب القا می‌کند:

> ... نخستین کسی که باید بیعت گرفتن را از او آغاز کنی حسین بن علی است و امیرالمؤمنین ـ معاویه ـ درباره او به من سفارش به‌مدارا کرده است و اینکه کار او را به‌صلاح آورم. ولید بن عقبه همان دم که نامه به او رسید با آنکه نیمه شب بود کسی را پیش حسین بن علی گسیل داشت... ولید ضمن گفتار نسبت به حسین درشتی کرد، حسین هم به او ناسزا گفت و با دست چنگ زد و عمامه او را از سرش برداشت. ولید گفت: چون ابوعبدالله را برانگیزیم گویی شیر را برانگیخته‌ایم... چون ولید به اندرون رفت همسرش اسماء دختر عبدالرحمان بن حارث بن هشام به او گفت: آیا به حسین دشنام دادی؟ گفت: او آغاز کرد و مرا دشنام داد، گفت: اگر او دشنامت دهد تو باید او را دشنام دهی؟ و بر فرض که پدرت را هم دشنام دهد آیا می‌توانی پدرش را دشنام دهی؟[۳]

---

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۰؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***﵇، ص ۵۵ ـ ۵۴.
۲. همان، ص ۵۵؛ همو، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۱.
۳. همان، ص ۴۴۲ ـ ۴۲۳؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***﵇، ص ۵۶ ـ ۵۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

در این نقل تعارض وجود دارد. از طرفی یزید ولید را به‌مدارا سفارش کرده است، این در حالی‌است که در اکثر منابع آمده که یزید از ولید خواست تا به‌حسین بن علی‌ﷺ، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر سخت بگیرد و هیچ فرصتی به‌آنها ندهد.[1] از سویی دیگر احضار شبانه امام توسط ولید و درشتی بر امام و توصیه مروان به کشتن او علی‌رغم دستور یزید به مدارا با امام، به نوعی انداختن اتهام به گردن ولید است. درحالی‌که از میان همه کارگزاران حکومت اموی، رفتار ولید[2] و نعمان بن بشیر[3] با امام محترمانه و مداراگونه بوده است و به همین دلیل هم هر دو بلافاصله، مورد غضب یزید واقع می‌شوند و ولید یک ماه پس از رفتن امام از مدینه (رمضان یا شوال) از حکومت بر مدینه بر کنار می‌گردد[4] و نعمان نیز بعد از رفتن مسلم به‌کوفه (احتمالاً در ماه شوال) از حکومت بر کوفه عزل می‌شود.[5] همچنین در گزارش‌های دیگری آمده است که ابن‌زبیر اصلاً نزد ولید نرفت و همان شب از بی‌راهه به‌طرف مکه رفت و امام یک شب پس از آن از مدینه خارج شد.[6] ولی ابن‌سعد حضور هر دو به‌نزد ولید و فرار شبانه هر دو را از مدینه گزارش کرده که البته طبری این اشتباه را متذکر شده است.[7]

۳ـ۲ـ۵. تشویق ابن‌زبیر به‌قیام علیه حکومت اموی و مخالفت بزرگان با حرکت امام

ابن‌سعد تشویق‌های ابن‌زبیر را چنان تحریک‌آمیز توصیف کرده که گویی ابن‌زبیر منشأ حرکت امام بوده و در واقع تشویق‌های او بوده که در نهایت منجر به قیام عاشورا شده است. وی در بخشی می‌نویسد: «ابن‌زبیر در مکه شروع به شوراندن مردم بر بنی‌امیه کرد. هر بامداد و شامگاه نزد حسین می‌رفت و او را به‌رفتن به عراق تشویق می‌کرد و می‌گفت: عراقیان، شیعیان پدرت و پیروان تو هستند.»[8] ابن‌سعد پس از این به‌تفصیل، به مخالفان حرکت امام به عراق می‌پردازد، چنان که به‌نظر می‌رسد این

---

۱. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۵، ص ۱۴۴، ۳۰۰؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۲۷؛ یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۲۴۱؛ طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۳۸.

۲. ابن عبد ربه، ***العقد الفرید***، ج ۵، ص ۱۲۵؛ ابن‌اعثم، ***الفتوح***، ج ۵، ص ۱۳.

۳. دینوری، ***الإمامة و السیاسة***، ج ۲، ص ۸.

۴. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۵، ص ۳۰۷؛ اندلسی، ***العقد الفرید***، ج ۵، ص ۱۲۵؛ طبری، تاریخ ***الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۴۳.

۵. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۵، ص ۳۷۹؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۳۱؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۵، ص ۳۴۸ و ۳۵۶؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی، «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام حسین‌ﷺ»، ***سخن تاریخ***، ص ۵۶.

۶. دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۲۸.

۷. طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۴۸.

۸. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۳؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین‌ﷺ***، ص ۵۶.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

حرکت را نکوهش کرده است. اسناد گزارش او ـ بنابر تحقیق محقق کتاب ـ همه ضعیف هستند.[۱] محمد بن حنفیه، ابن‌عباس، عبدالله بن مطیع، عبدالله بن عمر، ابن ابی‌ربیعه، ابن‌عیاش، ابوسعید خدری، ابو واقدلیثی، جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب، ابوسلمهٔ بن عبدالرحمان، مسور بن مخرمه، عمره بنت عبدالرحمان، بکر بن عبدالرحمان بن حارث بن هشام، عبدالله بن جعفر و عمرو بن سعید بن عاص از کسانی هستند که یا در دیدار امام و یا با نامه‌نگاری، امام را از رفتن به عراق برحذر داشته‌اند.[۲]

نکته‌ای که از گزارش ابن‌سعد فهمیده می‌شود، بی‌نظمی مطالب و چینش نامرتب و بدون ترتیب منطقی گزارش اوست. سخنان بزرگان به‌صورت نامرتب جمع شده که برخی از آنها مربوط به پس از شهادت امام است و برخی از آنها در خصوص حرکت به‌سمت عراق و یا مکه می‌باشد همچنان‌که ظاهر سخنان ابوسعید خدری، مسور بن مخرمه و جابر بن عبدالله نشان می‌دهد که مربوط به پیش از حرکت از مکه است.

این به‌هم‌ریختگی مطالب، سبب شده تا در بسیاری از وقایع ابهام به‌وجود آید. نحوه بیان و تنظیم روایات توسط ابن‌سعد، این گمان را تقویت می‌کند که جمع‌آوری و تنظیم این روایات، براساس نکوهش امام‌حسین‌ؑ در نپذیرفتن نصیحت خیرخواهان و شتاب در رفتن به عراق بوده است؛ نکوهشی که در سخنان این عده درباره اهداف کوفیان شده، دقیقاً نگرش بنی‌امیه را درباره اهداف کوفیان نشان می‌دهد، درحالی‌که کوفیان بر مبارزه با ظلم و بدعت و احیای سنت تأکید می‌کردند. سخن ابن‌عمر که «رسول‌الله آخرت را بر دنیا ترجیح داد و تو پاره تن او هستی و به دنیا نمی‌رسی» نگرش بنی‌امیه را درباره هدف امام بیان می‌دارد.[۳] ابن‌سعد با در کنار هم قرار دادن سخنان بزرگان، درصدد القای این مطلب است که امام شورشی بوده و هدف قیام او مشخص نیست. به‌ویژه آنجا که ابوسعید خدری می‌گوید: «حسین در خروج به عراق، بر من چیره شد. به او گفتم: از خدا بر جانت بترس و در خانه‌ات بنشین و بر امامت شورش نکن» و یا سخن ابوسلمهٔ بن عبدالرحمان که معتقد است که ابن‌زبیر امام را بر خروج علیه حکومت تحریک کرده است. این عبارت نیز بی‌هدفی قیام امام را القا می‌کند. یا نامه عمر بن سعید بن عاص که به امام نوشت: «از خدا می‌خواهم که صواب را به تو الهام کند و از این راه که می‌خواهی بروی، برگردی ...» که نشان می‌دهد صواب و مصلحت در این

۱. ر.ک: سلمی، ***الطبقة الخامسة من الصحابة***، ص ۳۱.

۲. البته به نظر می‌رسد سخنان جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب و ابوسلمهٔ بن عبدالرحمان در مورد امام، مربوط به پس از شهادت ایشان است: ر.ک: ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۴۲ـ۴۵۰؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین***ؑ، ص ۶۱ ـ ۵۶.

۳. حسینی، «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام حسین‌ؑ»، ***سخن تاریخ***، ص ۶۰.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

بوده است که امام به‌سمت کوفه نرود و از قیام خود صرف‌نظر کند، چراکه خدا هر آنچه الهام می‌کند صواب و صحیح است و الهامِ اندیشه شیطانی و ناصحیح از سوی خدا به دوراست، ازاین‌رو چون در ادامه آورده که عمرو بن سعید بن عاص به امام نوشته‌است: «... و از این راه که می‌خواهی بروی، برگردی» حرکت امام الهام خدا نبوده و صرفاً اندیشه‌ای نارسا از سوی غیرخدا تلقی می‌شود.

ابن‌سعد نامه یزید به ابن‌عباس را ذکر می‌کند که از او خواسته تا از حرکت امام به عراق ممانعت کند: «گمان می‌کنم گروهی از مردان مشرق [عراق] نزد او آمده‌اند و او را به آرزوی خلافت انداخته‌اند. تو خود عراقیان را چه از لحاظ علمی و چه از نظر عملی می‌شناسی، اگر حسین چنین کرده است، پیوند نزدیکی را بریده و گسسته است. اینک تو که بزرگ خاندان خود و مورد نظر حسین هستی، او را از اقدام برای تفرقه‌اندازی بازدار» و در ادامه اشعاری تهدیدآمیز برای قریش سروده است. ابن‌سعد پس از پاسخ نامه ابن‌عباس به یزید، سخن ابن‌عباس با امام را ذکر کرده‌است: «تو را به‌خدا سوگند! مبادا فردا با حال تباه، خود را به هلاکت اندازی، به عراق مرو... به خدا سوگند، چنان گمان می‌برم که فردا به‌زودی میان زنان و دخترکانت کشته می‌شوی، همان‌گونه که عثمان میان زنان و دخترکانش کشته شد...» حسین فرمود: «ای ابوالعباس! تو پیری سالخورده شده‌ای. ابن‌عباس گفت: اگر نه این است که برای من یا برای تو زشت است، دست بر سرت می‌یازیدم و اگر بدانم با گریبانگیر شدن با تو، تو همین‌جا مقیم می‌شوی، چنان می‌کردم ولی گمان نمی‌کنم این کارها برای من سودی داشته باشد.» به‌نظر می‌رسد که چگونگی نامه یزید، نوعی توجیه‌گونه باشد، از سویی دیگر، ابن‌سعد قصد دارد تا امام را آغازگر کشمکش‌ها و شورش‌ها بداند و حکومت یزید را حکومتی اهل رفق و مدارا با امام بداند، از طرفی دیگر لحن گفتار ابن‌عباس به امام‌حسین نشان می‌دهد که این گفتارها پس از شهادت امام ساخته و پرداخته شده است. همه اطلاعاتی که کسانی مانند ابن‌عباس به امام ارائه می‌دهند، حکایت‌گر آن است که از سرانجام امام اطلاع داشته‌اند. ابن‌عباس به امام می‌گوید: «... فردا به‌زودی میان زنان و دخترکانت کشته می‌شوی همان‌گونه که عثمان میان زنان و دخترکانش کشته شد...» در حالی که امام هنوز تصمیم خود در این مورد را ـ که فرزندان و زنانش را به عراق ببرد ـ با کسی در میان نگذاشته، ضمن اینکه توصیه ابن‌عباس در حال حرکت امام به عراق نیست که در آن لحظه همه فرزندان و زنان را ببیند و چنین حکمی دهد که فردا میان زنان و دخترکانت کشته می‌شوی ... .

۳ـ۲ـ٦. نامه ملاطفت‌آمیز مروان به ابن‌زیاد در مورد برخورد با امام‌حسین

ابن‌سعد نامه مروان برای عبیدالله بن زیاد را ذکر کرده، می‌نویسد:

مروان برای عبیدالله بن زیاد نوشت: ... بدان که او حسین پسر فاطمه و فاطمه دختر

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

رسول خداست که درود و سلام خدا بر او باد. به خدا سوگند هیچ‌کس محبوب‌تر از حسین که خدایش به سلامت دارد در نظر ما نیست، بپرهیز که مبادا گرفتار هیجانی شوی که چیزی نتواند آن را جبران کند و عامه آن را فراموش نکنند و یاد او را از خاطره نبرد، والسلام.

نامه عمرو بن سعید بن عاص به ابن‌زیاد نیز درخور دقت است: «... بدان که در کاری مانند این کار یا آزاد می‌شوی و یا همچون بردگان به‌بردگی گرفته می‌شوی».[۱]

ابن‌سعد از طرفی کشمکشی را که میان امام و مروان رخ داده، ذکر کرده و از طرفی از ارسال نامه سراسر محبت‌آمیز ابن‌زیاد نسبت به امام سخن می‌گوید. چنین نامه‌ای تنها در کتاب ابن‌سعد ذکر شده و خلاف آن مطلبی گفته‌اند و آن اینکه هنوز امام دست به حرکتی نزده بود که مروان، ولید حاکم مدینه را تحریک می‌نمود که امام را در مدینه به‌قتل برساند. جالب آنکه خود ابن‌سعد آن را متذکر شده است.[۲] چنین توصیه‌ای از عمرو بن سعید، با رفتار وی با سر مبارک امام‌حسین‌ﷺ نشان‌گر آن است که گزارش توصیه وی به ابن‌زیاد صرفاً جنبه‌ای نمایشی دارد تا بنی‌امیه را از رفتار با امام‌حسین‌ﷺ مبرا کند و مقصر اصلی در جریان عاشورا را خود امام معرفی کند. ابن‌سعد در قسمت انتهایی گزارش خود رفتار عمرو بن سعید و مروان با سر مبارک حضرت را چنین گزارش می‌کند: «عمرو بن سعید گفت: به‌خدا دوست می‌داشتم یزید سرش را برای من نمی‌فرستاد. مروان گفت: خاموش باش، و سپس سر را گرفت و برابر خود نهاد و گوشه‌بینی سر را گرفت و چنین سرود: «چه خوب است این سردی تو در دستان من و این سرخی در گونه‌های تو، گویا در جامه آغشته به خون شب را گذرانده است». به‌خدا سوگند! گویی هم‌اکنون به روزهای مرگ عثمان می‌نگرم، لذت می‌برم و آرامش می‌یابم. در این هنگام عمرو بن سعید از خانه‌های بنی‌هاشم فریاد شیون شنید و این بیت از شعر عمرو بن معدی‌کرب [در جنگی که میان بنی‌زبید و بنی‌حارث بوده] را خواند: «زنان بنی‌زیاد شیون برآوردند همچون شیون زنان ما در بامداد جنگ ارنب».[۳]

۳ـ۲ـ۷. فرزدق و روایات ابن‌سعد و به تصویر کشیدن حرکت جبری امام

ابن‌سعد روایاتی در مورد دیدار فرزدق با امام بیان داشته که پس از نقل خروج امام از مکه گزارش

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۵۲.

۲. همان، ص ۴۴۳؛ بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۵، ص ۳۰۲؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۲۸؛ طبری، ***تاریخ‌الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۴۰.

۳. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۹۱ ـ ۴۹۰؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسین‌ﷺ***، ص ۸۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

خود را قطع و شش روایت مسند را ذکر می‌کند. چهار روایت در مورد دیدار فرزدق با امام است و دو روایت دیگر در مورد گفتگوی بجیر بن شداد اسدی و برادرش در ثعلبیه و ملاقات عربی بیابانی با امام است. توجه به روایات ابن‌سعد در مورد دیدار فرزدق با امام، نکاتی را می‌رساند که ابن‌سعد را از دیگر گزارشگران عاشورا متمایز می‌کند و همین امر سبب می‌شود تا دیدگاه و رویکرد وی به حرکت امام‌حسین﵇ و نیز شهادت ایشان، دیدگاهی پایه و مبنا برای گزارشگران بعدی شود.

فرزدق برای فرزندش لبطه می‌گوید که پس از ملاقات با عبدالله بن عمرو بن عاص در مکه ـ که گفته بود حسین کوچک‌تر از آن است که در مقابل اسلحه مقاومت کند ـ کنار چاه آبی به نام تعشار به گروهی از مسافران که از کنار ما می‌گذشتند، با صدای بلند گفتیم حسین بن علی چه کرد؟ گفتند: کشته شد. من گفتم: خداوند سزای عبدالله بن عمرو را بدهد که کار خود را کرد. سفیان بن عیینه می‌گفته است: فرزدق سخن عبدالله بن عمرو را درست معنی نکرده است، عبدالله گفته اسلحه بر حسین کارگر نیست، اما با سرنوشتی که برای او مقدر شده است، کشته‌شدن برای او زیان ندارد.[1] ابن‌سعد کشته‌شدن امام را یک قضای حتمی می‌پندارد که البته وی برای اینکه مخاطب نیز به این یقین دست یازد، روایات دیگری را نقل می‌کند:

در دو روایت شبیه به هم، عبدالله بن عمرو بن عاص به فرزدق‌بن‌غالب می‌گوید: چنین مصلحت می‌بینم که همراه او بروی که اگر دنیا بخواهی به‌آن می‌رسی و اگر جویای آخرت باشی به‌آن می‌رسی. اما در نهایت خبر شهادتش به وی می‌رسد.

در روایت پایانی، فرزدق توسط اسماعیل بن یسار، ملعون خطاب می‌شود و امام به‌خاطر هبه چهارصد دیناری به فرزدق نکوهش می‌شود که امام پاسخ می‌گوید، کاری که با آن آبروی خود را حفظ کنی بهترین کار است، وانگهی فرزدق شاعری است که نمی‌توان از او در امان بود.

دیدار فرزدق با امام در منابع متعددی در مناطق متفاوتی ذکر شده است، بستان بنی‌عامر،[2] صفاح،[3] شقوق،[4] ذات عرق[5] و زباله[6] مناطقی است که گزارشگران تاریخ آن را به ثبت رسانده‌اند.

---

۱. همو، ***الطبقات‌الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۵۲.

۲. سبط بن جوزی، ***تذکرةالخواص***، ص ۲۱۷.

۳. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۳، ص ۱۶۴؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۴۵؛ طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۸۶؛ رازی، ***تجارب الأمم***، ج ۲، ص ۵۹؛ ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۴، ص ۴۰؛ ابن‌نما، ***مثیر الأحزان***، ص ۴۰؛ یاقوت حموی، ***معجم البلدان***، ج ۳، ص ۴۱۲.

۴. ابن‌اعثم، ***الفتوح***، ج ۵، ص ۷۱؛ اربلی، ***کشف الغمة***، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن شهرآشوب، ***مناقب آل ابی‌طالب***﵇، ج ۴، ص ۹۵؛ البته در مناقب ابن شهرآشوب از «رجل» استفاده شده است، اما پرسش و پاسخ‌ها به قرینه نقل طبری نشان از آن است که دیدار امام با فرزدق بوده است.

۵. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۳، ص ۱۶۵.

۶. ابن‌طاووس، ***اللهوف***، ص ۷۳ـ۷۴.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

دیدار فرزدق با عبدالله بن عمرو بن عاص جز در ***طبقات*** ابن‌سعد، در ***بدایه*** ابن‌کثیر و در ***المعرفة و التاریخ فسوی*** نقل شده و مضمون هر دو نشان می‌دهد که از ***طبقات*** ابن‌سعد نقل شده است.[۱] گفتنی است که آنچه در منابع دیگر نقل شده، دو روایت متفاوت است:

۱. فرزدق به امام گفت «**و قلوبهم معك، و سیوفهم علیك**»[۲] برخی عبارت «**و القضاء من السماء و الله یفعل ما یشاء. فقال الحسین: صدقت**»[۳] را نیز آورده‌اند. طبری به نقل از ابومخنف اضافاتی دارد که درخور توجه است.[۴]

۲. در مکالمه امام با فرزدق آمده است که: «اگر تعجیل نمی‌کردم و بیرون نمی‌شدم، گرفتار می‌شدم.»[۵] امام از او احوال مردم را می‌پرسد. فرزدق هنگامی تصمیم به همراهی با امام می‌گیرد که خبر شهادت امام به او می‌رسد؛ گویا مردم همواره و هر روزوشب منتظر کشته‌شدن حسین بودند...»[۶] البته این خبر با مضامین برخی روایات ابن‌سعد نیز هم‌سوست.

نکاتی که از بررسی چند روایت مذکور، قابل برداشت است، یکی نشان دادن تصویری خاص از حرکت امام است و دیگر اینکه قتل امام‌حسین﵇ تقدیر الهی بوده و گریزی از آن نیست. نکته دیگر از توجه به روایت آخر، تخریب شخصیت فرزدق به‌عنوان شاعری مشهور است. ابن‌سعد و راوی این روایت، مطلبی را نقل می‌کنند که مردم آن عصر انجام چنین فعلی را از فرزدق بعید می‌دانسته‌اند، ولی راوی با ملعون خواندن فرزدق، چنین‌کاری را از او کاملاً قابل پیش‌بینی می‌داند. این روایت چندان ارتباطی به قیام امام ندارد و درواقع روایتی مربوط به فرزدق است و بر فرض صحّت، مربوط به این سفر نبوده و پیش از آن بوده است، ولی چرا ابن‌سعد این روایت را نقل می‌کند؟ جز تخریب شخصیت فرزدق، توجیهی دیگر برای ذکر این روایت نمی‌توان پیدا کرد[۷،۸] گفتنی است که در

---

۱. فسوی، ***المعرفة و التاریخ***، ج ۲، ص ۶۷۳؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۸، ص ۱۶۷.
۲. دینوری، ***الأخبارالطوال***، ص ۲۴۵؛ خلیفة بن خیاط، ***تاریخ خلیفة***، ص ۱۴۳.
۳. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۳، ص ۱۶۴.
۴. طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۸۶.
۵. امام با این سخن به نقشه یزید برای ربودن یا به قتل رساندن وی در مکه اشاره می‌فرمایند.
۶. طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ج ۵، ص ۳۸۶؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۸، ص ۱۶۷.
۷. اگر به این روایت بلاذری دقت شود، این تحلیل نیز قابل توجه خواهد بود: «ان الحسن بن علي أعطي شاعرا مالا فقال له رجل: سبحان الله أتعطي شاعرا یعصي الرحمن ویقول البتهان؟ فقال: إن خیر ما بذلت من مالك ما وقیت به عرضك، وإن من ابتغاء الخیر اتقاء الشرّ». (ر.ک: بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۳، ص ۲۳)
۸. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی، «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام حسین﵇»، ***سخن تاریخ***، ص ۴۵.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

هیچ‌یک از منابع، نفرین شدن فرزدق یاد نشده است و امام هیچ واکنشی نسبت به او نشان نداده‌اند.

۳ـ۲ـ۸. فرمان به منزل‌گزیدن مسلم در خانه هانی بن عروه

ابن‌سعد می‌نویسد: «حسین بن علی‌علیه‌السلام مسلم بن عقیل را به کوفه گسیل ساخت و بـه او گفـت در خانـه هانی بن عُروه مرادی منزل کند و بنگرد که مردمان چگونه بر او جمع می‌شوند، سپس به او خبر دهد.»[۱]

دستور به اسکان در خانه هانی، تنها در ***طبقات*** ابن سعد و ***تاریخ الإسلام*** ذهبی و به نقل از واقدی نقل شده[۲] که به احتمال فراوان ابن‌سعد نیز این روایت را از واقدی نقل کرده است. این در حالی است که گزارش‌های دیگر منابع، حاکی از آن است که مسلم پس از ورود به کوفه در خانـه مختـار ثقفـی منزل کـرد، [۳] مسـلم پـس از عـزل نعمان‌بن‌بشـیر و ورود ابن‌زیـاد بـه کوفـه، شـب‌هنگام بـه خانـه هانی‌بن‌عروه آمد و بعدها شریک بن اعور نیز به‌خاطر دوستی با هانی به خانه هانی آمد.[۴]

۳ـ۲ـ۹. چشم‌پوشی ابن‌سعد از نقل جوانمردی و قیام مسلم بن عقیل

گزارش ابن‌سعد چنان فشرده است که از ذکر بسیاری از حوادث مهم و سرنوشت‌ساز[۵] جهت برداشـت نسبت ماهیت حرکت امام، صرف‌نظر کرده است. ازجمله آنها جوانمردی مسلم بن عقیـل در مـاجرای برنامه‌ریزی شریک بن اعور برای قتل ابن‌زیاد در خانه هانی بن عروه است. وی داستان برنامـه‌ریزی را به شکل ناقص نقل کرده و از نقل نقش مسلم و جوانمردی او در زنده‌مانـدن ابن‌زیـاد چشم‌پوشـی کرده است. وقتی قرار بر این شد که ابن‌زیاد از شریک عیادت کنـد،[۶] شـریک نقشـه‌ای جهـت قتـل ابن‌زیاد کشید، چون عبیدالله به عیادت شریک آمد و شریک شعری را به نشانه اجرای نقشـه خوانـد، عبیدالله احساس خطر کرد، برخاست و بیرون رفت و در این هنگام مسلم از پستو بیرون آمد و شریک

---

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات‌الکبری***، خامسهٔ۱، ص ۴۵۸.

۲. ذهبی، ***تاریخ الإسلام***، ج ۴، ص ۱۷۰.

۳. دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۳۱؛ بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۲، ص ۷۷؛ همان، ج۶، ص ۳۷۶؛ طبری، ***تاریخ الأمم و الملوک***، ج ۵، ص ۳۵۵؛ ابن‌اعثم، ***الفتوح***، ج ۵، ص ۳۳؛ ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۴، ص ۲۲؛ ابن‌کثیر، ***البدایةوالنهایة***، ج ۸، ص ۱۵۲.

۴. بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۲، ص ۷۹؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۳۳؛ طبری، ***تاریخ الأمم والملوک***، ۵، ص ۳۶۲.

۵. برای مطالعه نمونه‌ای دیگر، ر.ک: اتفاقات واقعه سقیفه که بسیار فشرده، مـوجز و جانب‌دارانـه گـزارش کـرده اسـت: ر.ک: بخش وصایت و خلافت پس از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، ر.ک: ابن سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۲، ص ۲۵۳ ـ ۱۲۹؛ بـرای مطالعه جزئی این گزاره، ر.ک: مستجاب الدعوانی و خان صنمی و صنمی، «تأملی بر روایت ابن سعد از مئله جانشینی رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله»، ***معرفت کلامی***، ص ۸۰ ـ ۶۷.

۶. برخی منابع هانی را بیمار معرفی کرده‌اند.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

به او گفت: چه چیز تو را از انجام کار باز داشت؟ مسلم گفت: دو چیز مانع من شد، نخست اینکه هانی خوش نمی‌داشت کسی در خانه او کشته شود، دیگر این سخن رسول خدا ﷺ که فرموده است: «ایمان موجب خودداری از غافلگیر کشتن است و مؤمن کسی را غافلگیرانه نمی‌کشد.»[1] ابن‌سعد در بخش مربوط می‌نویسد: «مسلم سی نفر را برای حمله به عبیدالله بن زیاد در خانه هانی آماده کرده بود که ابن‌زیاد از سخنان شریک، احساس ترس کرد و از آنجا بیرون شد.»[2] درحالی‌که در منابع دیگر به آماده‌ساختن سی نفر جهت قتل ابن‌زیاد اشاره نشده است. همچنین ابن‌سعد از قیام و جنگ و دلاوری‌های مسلم‌بن‌عقیل با سپاه محمدبن‌اشعث در حد یک سطر سخن گفته و سپس به دستگیری او اشاره نموده و در نهایت صرفاً به نقل وصیت مسلم بن عقیل بسنده کرده اما وی بر خلاف دیگر مقاتل، کیفیت به قتل رساندن او توسط ابن‌زیاد را نقل نکرده است.[3]

نتیجه

از مباحثی که در این نوشتار بازتاب یافت، نتایج ذیل قابل استفاده است:

۱. گزارش ابن‌سعد از نظر تاریخی، یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌های موجود از قیام امام‌حسین ﷺ است که در اوایل قرن سوم نوشته شده است. می‌توان مشخصه گزارش ابن‌سعد را هم‌داستانی وی در برخی گزارش‌های ابومخنف دانست و می‌توان گفت که این نکته نقطه قوت گزارش او در این‌گونه گزارش‌هاست.

۲. ابن‌سعد در بیان روایات عاشورایی به کلیات وقایع اهتمام خاصی دارد، کلی‌گویی او در بیان وقایع مهم عاشورا و قبل از آن و حتی تفصیل‌گویی در برخی مسائلی که به‌نظر می‌رسد از اهمیت کمتری برخوردار است، این نکته را به ذهن القا می‌کند که ظاهراً وی به عمد این روش را پی‌گرفته و این درحالی‌است که بیشتر روایات منقول از او، از مقتل ابومخنف است، مقتلی که بسیار بیشتر به جزئیات پرداخته‌است. حال آنکه ابن‌سعد با حذف بسیاری از روایات مقتل ابومخنف و روی‌آوردن به مقاتل واقدی و دیگران، به گزینش روایات ابومخنف پرداخته‌است. اما با این حال کتاب او به‌عنوان

---

۱. دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۳۵، دینوری، ***الإمامة و السياسة***، ج ۲، ص ۹؛ اصفهانی، ***مقاتل الطالبيين***، ص ۱۰۲؛ ابن‌کثیر، ***الكامل***، ج ۴، ص ۲۷؛ حدیث در منابع دیگر به این شکل نقل شده: «إنّ الإسلام قيد الفتک»: کلینی، ***الكافي***، ج ۷، ص ۳۷۵، و همچنین ر.ک، ابن شهرآشوب، ***مناقب آل ابی‌طالب*** ﷺ، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲. ابن‌سعد، ***الطبقات الكبرى***، خامسهٔ۱، ص ۴۶۰؛ همو، ***ترجمة الإمام الحسين*** ﷺ، ص ۶۵.

۳. ر.ک: بلاذری، ***أنساب الأشراف***، ج ۲، ص ۷۷؛ دینوری، ***الأخبار الطوال***، ص ۲۴۰؛ دینوری، ***الإمامة و السياسة***، ج ۲، ص ۱۰؛ طبری، ***تاريخ الأمم والملوك***، ج ۵، ص ۳۹۸.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

یکی از قدیمی‌ترین منابع در دسترس است که خالی از نقایص نیز نیست.

۳. می‌توان ابن‌سعد را در بیان روایات عاشورایی، مبدع تفکر مقدّر بودن قتل امام‌حسین‌ؑ دانست. وی با جمع‌آوری روایات متعدد، درصدد القای این اندیشه است. گزارش او در مورد ممانعت بزرگان از حرکت به‌سمت عراق، تقریباً مفصل است که اضافه بر آن نقل روایات جهاددوستی، جنگ‌طلبی، شدت رأی و سخت‌گیری امام‌حسین‌ؑ نسبت به امام‌حسن‌ؑ نشان می‌دهد که گویا مقصود وی شورشی خواندن امام‌حسین‌ؑ در مقابل حکومت وقت است. ازهمین‌روی ابن‌سعد گزارش خود را به‌سمتی سوق می‌دهد که گویا بنی‌امیه در این جنایت عظیم مقصر نبوده‌اند و مقصر کسی جز خود امام نمی‌تواند باشد. ابن‌سعد در آنجا که مربوط به یزید، معاویه، مروان و... می‌شود، متن سخنان و نامه‌ها را نقل کرده، مثلاً سخن معاویه را در توصیه به یزید در مدارا با حسین‌ؑ و نیز سفارش یزید را به ولید فرماندار مدینه در مدارا با امام‌حسین‌ؑ، متن نامه یزید به ابن‌عباس و متن نامه مروان و عمروبن سعید به ابن‌زیاد در لزوم مدارا با حسین، را نقل کرده است، که هیچ‌کدام از این روایات در گزارش ابومخنف، تاریخ طبری، یعقوبی و یا دینوری نقل نشده است.

۴. تقید ابن‌سعد به عدم نقل خطبه‌ها و نامه‌های امام‌حسین‌ؑ، اشعار جنگی یاران امام و دیگر مطالبی که هدف قیام امام را ترسیم کرده، به مانند نقل سخنان معاویه و یزید و... نیست، از این جهت وی کوشیده بیشتر این مطالب را حذف و سانسور کند. به حدی که به‌نظر می‌رسد قصد ابن‌سعد از پی‌گیری چنین روشی، ترسیم دنیاطلبی امام‌حسین‌ؑ به‌عنوان هدفی غایی برای حرکت به‌سمت کوفه بوده است. وی حرکت امام را با توجه به نقل اخبارِ نکوهش و ممانعت‌های بزرگان از حرکت امام به‌سمت عراق، از نظر دینی خروج بر امام و دنیاطلبی و از نظر سیاسی اشتباه معرفی می‌کند.

۵. گزارش روایی جانبدارانه ابن‌سعد از واقعه عاشورا که مورد اقبال وسیع نویسندگان مکتب شامی مثل ابن‌عساکر، ذهبی، ابن‌حجر، مزّی و ابن‌کثیر قرار گرفته، سرآغازی برای شورشی خواندن امام تعریف می‌شود.

۶. تقطیع، فشرده‌گویی، نقل به معنا، تلخیص و حتی تفصیل جهت‌دار، ازجمله ابزارهایی است که ابن‌سعد برای القای گزارش روایی مورد پسند خود به مخاطبان استفاده کرده است.

منابع و مآخذ

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةالله، ***شرح نهج البلاغة***، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارإحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۲. ابن‌أبی‌شیبه، عبدالله، ***المصنف فی الأحادیث و الآثار***، تحقیق سعید اللحام، دارالفکر، ۱٤۰۹ق.
۳. ابن‌اثیر، علی بن ابی‌الکرم، ***الکامل فی التاریخ***، داربیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
٤. ابن‌اعثم کوفی، احمد بن علی، ***الفتوح***، تحقیق علی‌شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱٤۱۱ق.
٥. ابن‌تیمیة، تقی‌الدین، ***منهاج السنة النبویة***، تحقیق محمدرشاد سالم، ۱٤۰٦ق.
٦. ابن‌حبان، محمد، ***الصحیح بترتیب ابن‌بلبان***، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بی‌جا، مؤسسة الرسالة، ۱٤۱٤ق.
۷. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، ***المسند***، بیروت، دارصادر، ۱۳٦۸ق.
۸. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ***تاریخ ابن‌خلدون***، تحقیق خلیل‌شحادة، بیروت، دارالفکر، ۱٤۰۸ق.
۹. ابن‌خلکان، أحمد بن محمد بن أبی‌بکر، ***وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان***، تحقیق احسان عباس، لبنان، دار الثقافة، بی‌تا.
۱۰. ابن‌خیاط، لیفة، ***تاریخ خلیفة‌بن‌خیاط***، تحقیق فواز، بیروت، دارالکتب‌العلمیة، ۱٤۱٥ق.
۱۱. ابن‌سعد، محمد، ***الطبقات الکبری***، تحقیق محمد بن صامل السلمي، الطائف، مکتبةالصدیق، ۱٤۱٤ق.
۱۲. ابن‌سعد، محمد، ***ترجمة الإمام الحسین***ﷺ من طبقات ابن‌سعد، تحقیق عبدالعزیز الطباطبائی، الهدف، بی‌تا.
۱۳. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ***مناقب آل ابی‌طالب***ﷺ، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۱٤. ابن‌طاووس، علی بن موسی، ***اللهوف علی قتلی الطفوف***، تهران، جهان، ۱۳٤۸.
۱٥. ابن‌عبدالبر، محمد، ***الإستیعاب فی معرفة الأصحاب***، بیروت، دار الجیل، ۱٤۱۲ ق.
۱٦. ابن‌عبدالرحمن، ***مقدمة ابن الصلاح***، تحقیق أبوعبدالرحمن‌صلاح، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱٤۱٦ق.
۱۷. ابن‌عبدربه، احمد بن محمد، ***العقد الفرید***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۰٤ق.
۱۸. ابن‌عربی، محمد بن علی، ***العواصم من القواصم***، تحقیق محب‌الدین خطیب، قاهره، المکتبة السلفیة، بی‌تا.
۱۹. ابن‌عساکر، علی بن حسن، ***تاریخ مدینة دمشق***، علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱٥ق.
۲۰. ابن‌عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، ***شذرات الذهب فی اخبار من ذهب***، بیروت، دار ابن‌کوثر، ۱٤۰٦ ق.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۲۱.ابن‌عنبة، أحمد بن علی، ***عمدة الطالب فی أنساب آل ابی‌طالب***، تحقیق محمدحسن آل‌الطالقانی، نجف، المطبعةالحیدریه، ۱۳۸۰ق.
۲۲.ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، ***کامل الزیارات***، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویة، ۱۳۵٦.
۲۳.ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل، ***البدایة و النهایة***، بیروت، دارالمعرفة، ۱٤۲۲ق.
۲۴.ابن‌ماجه قزوینی، محمد بن یزید، ***السنن***، تحقیق محمدفواد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۲۵.ابن‌ندیم، محمد بن ابی‌یعقوب، ***الفهرست***، تحقیق رضاتجدد، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶.ابن‌نماحلی، جعفر بن محمد، ***مثیر الأحزان***، قم، مدرسةالإمام‌المهدی، ۱٤۰٦ق.
۲۷.ابن‌هلال‌ثقفی، ابراهیم، ***الغارات***، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱٤۱۰ق.
۲۸.ابوالفرج اصفهاني، علی بن حسین، ***کتاب الأغانی***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱٤۱۵ ق.
۲۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ***مقاتل الطالبیین***، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱٤۱۹ ق.
۳۰.اربلي، علی بن عیسی، ***کشف الغمة فی معرفة الأئمة***، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بني‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۳۱.بخاری، محمد بن اسماعیل، ***التاریخ الکبیر***، ترکیا، المکتبةالإسلامیه، بی‌تا.
۳۲.بغدادی، إسماعیل باشا، ***ایضاح المکنون***، تحقیق محمد شرف‌الدین یالتقایا، رفعت بیلگه الکلیسی، بیروت، دارإحیاء التراث‌العربی، بی‌تا.
۳۳.بلاذري، أحمد بن یحیي بن جابر، ***أنساب الأشراف***، تحقیق محمدباقر المحمودی، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۷ق.
۳٤.بیهقی، احمد بن حسین، ***دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة***، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی‌تا.
۳۵.ترمذی، محمد بن عیسی، ***السنن*** (الجامع الصحیح)، تحقیق عبدالرحمان محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، ۱٤۰۳ق.
۳٦. جاحظ، عمرو بن بحر، ***البیان و التبیین***، بیروت، دار و مکتبة الهلال، بی‌تا.
۳۷.جعفریان، رسول، ***تاریخ سیاسی اسلام*** (سیره رسول خدا)، قم، دلیل‌ما، ۱۳۸٦.
۳۸.حاجی‌خلیفة، مصطفی بن عبدالله، ***کشف الظنون***، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۹.حسینی، سید عبدالله، «بررسی گزارش محمد بن سعد از زندگی و قیام امام‌حسین»، ***سخن تاریخ***، شماره پنجم، تابستان ۱۳۸۸.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۴۰.حسینی، سید عبدالله، ***معرفی و نقد منابع عاشورا***، قم، پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلامی، ۱۳۸٦.
۴۱.خطیب بغدادی، ابوبکراحمد بن علی، ***تاریخ بغداد***، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٧ق.
٤٢.خوارزمی، موفق بن احمد، ***مقتل الحسین***علیه‌السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی، بی‌تا.
۴۳.دینوری، احمد بن داود، ***الأخبار الطّوال***، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال‌الدین شیال، قم، منشورات‌الرضی، ١٣٦٨.
۴۴.دینوری، عبدالله‌بن‌مسلم‌بن‌قتیبة، ***الإمامة و السیاسة***، تحقیق علی‌شیری، بیروت، دار الأضواء، ١٤١٠ق.
۴۵.ذهبی، محمد بن احمد، ***تاریخ الإسلام و دفیات المشاهیر و الأعلام***، تحقیق عبدالسّلام قدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ١٤١٠ق.
۴۶.ذهبی، محمد بن احمد، ***سیر اعلام النبلاء***، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بیروت، موسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
٤٧.رازی، احمد بن محمد مسکویه، ***تجارب الأمم***، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
٤٨.زرکلی، خیرالدین، ***الأعلام***، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۰م.
۴۹.سبط بن جوزی، یوسف بن قزأوغلی، ***تذکرة الخواص***، قم، الشریف الرضی، ١٤١٨ق.
۵۰.سجستانی، سلیمان بن أشعث، ***السنن***، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ١٤١٠ق.
۵۱.سلمی، محمد بن صامل، ***الطبقة الخامسة من الصحابة فی کتاب الطبقات‌الکبری لمحمد بن سعد***، عرض وتحلیل، البیان، رقم ۲۸، ١٤١٠ق.
۵۲.سمعانی، أعبدالکریم بن محمد، ***الأنساب***، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی‌المعلمی، حیدرآباد، مجلس دائرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ق.
۵۳.شهیدی، سید جعفر، ***قیام حسین***علیه‌السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸٦.
٥٤.صحتی سردرودی، محمد، ***عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام‌حسین***علیه‌السلام، قم، خادم الرضاعلیه‌السلام، ۱۳۸۵.
۵۵.صفدی، صلاح‌الدین خلیل، ***الوافی بالوفیات***، تحقیق أحمد الأرناؤوط، مصطفی ترکی، بیروت، دار إحیاء التراث، ١٤٢٠ق.
٥٦.طبرانی، سلیمان، ***المعجم الکبیر***، تحقیق حمدی عبدالمجیدالسلفی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۵۷.طبری، امحمد بن جریر، ***تاریخ الأمم و الملوک***، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۵۸.عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، ***الاصابة***، تحقیق عادلأحمد عبدالموجود، علی‌محمد معوض، بیروت،دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
۵۹.فتال‌نیشابوری، محمد بن احمد، ***روضة الواعظین و بصیرة المتعظین***، قم، رضی، ۱۳۷۵.
۶۰.فسوی، أبویوسف یعقوب بن سفیان، ***المعرفة و التاریخ***، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠١ق.
٦١. قائدان، اصغر، «بررسی تحریف‌نگاری مکتب شام و تحریف قیام امام حسین علیه السلام»، ***خورشید شهادت***، مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگی امام حسین علیه السلام، بی‌جا، مهر، ١٣٧٤.
۶۲.قمی، عباس، ***الکنی والألقاب***، تقدیم محمدهادی امینی، تهران، مکتبة الصدر، بی‌تا.
٦٣. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٥.
۶۴.کاظم‌بیکی، محمدعلی و مصطفی گوهری‌فخرآباد، «نگاه اهل‌حدیثی ابن‌سعد به تاریخ اسلام، بررسی موردی شرح حال امام‌علی علیه السلام در کتاب الطبقات الکبری»، ***تاریخ و فرهنگ***، سال چهل و ششم، پیاپی۹۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
٦٥. کحالة، عمر، ***معجم المؤلفین***، بیروت، مکتبة المثنی، بی‌تا.
٦٦. کشی، محمد بن عمر، ***اختیار معرفة الرجال***، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث، بی‌تا.
۶۷.مزّی، یوسف، ***تهذیب الکمال فی أسماء الرجال***، تحقیق بشارعواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
٦٨.مستجاب الدعوانی، سیدعلی و فاطمه خان‌صنمی، شعبان‌علی صنمی، «تأملی بر روایت ابن‌سعد از مسئله جانشینی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله»، ***معرفت کلامی***، پیاپی۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۶۹.مسعودی، عبدالهادی، ***وضع و نقد حدیث***، تهران، سمت، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۹.
۷۰.مسعودی، علی بن الحسین بن علی، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة، ١٤٠٩ق.
۷۱.مطهری، مرتضی، ***مجموعه آثار***، قم، صدرا، بی‌تا.
۷۲.مفید، محمد بن نعمان، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، تحقیق مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
۷۳.مفید، محمد بن نعمان، ***الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة***، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
۷۴.نیشابوری، حاکم، ***المستدرک علی الصحیحین***، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بی‌تا.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]

۷۵. یاقوت‌حموی، ابن عبدالله، ***معجم البلدان***، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
۷۶. یعقوبی، احمد بن أبی‌یعقوب، ***تاریخ الیعقوبی***، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

[Downloaded from tarikh.maaref.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.22520538.1400.12.43.1.6]